

دکتر دیو متیوسون، مکاشفه، سخرنانی ۲۰، مکاشفه ۱۴، نجات مقدسین، و داوری بر شیران

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در دوره آموزشی‌اش در مورد کتاب مکاشفه. این جلسه بیستم در مورد مکاشفه ۱۴، نجات مقدسین و داوری شیران است.

در فصل‌های ۱۲ و ۱۳، به کشف یا توصیف یا پرده‌برداری از ماهیت واقعی درگیری کلیسا به دست شیطان و جانورانی که تمام جهان را به پرستش خود فریب می‌دهند، و فراخوان کلیسا برای پایداری و تحمل در بحبوحه این درگیری با امتناع از سازش پرداختیم.

اکنون، در فصل‌های ۱۴ و ۱۵، به مجموعه‌ای از تصاویر می‌رسیم که هم پیروزی مقدسین و هم پاداش مقدسین وفادار و پایداری که در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ پایداری کردند را توصیف می‌کند، اما همچنین داوری که بر وحش و جهان بی‌ایمان و وحش و پیروانش نازل می‌شود، کسانی که از وحش پیروی کردند و به او وفادار ماندند و اکنون داوری آنها را می‌بینیم. بنابراین، در فصل‌های ۱۴ و ۱۵ پاداش را می‌یابیم که به نظر می‌رسد نسبتاً بی‌ربط است؛ پاداش مقدسین و مجازات شیران و کافران را در سراسر این بخش به طور متناوب می‌بینیم. این بخش بار دیگر معنای داوری نهایی و معنای رستگاری را بررسی می‌کند، زیرا نویسنده رؤیاها را بین داوری و رستگاری به طور متناوب تغییر می‌دهد.

این بخش، یعنی فصل ۱۴، تا چهار آیه اول فصل ۱۵، می‌تواند به مجموعه‌ای از بخش‌ها تقسیم شود که با «جمله یوحنا که می‌گوید «نگاه کردم «یا» دیدم «آغاز می‌شوند. آن عبارت کوچک «نگاه کردم «یا» دیدم در ترجمه‌های انگلیسی شما، اغلب برای مشخص کردن واحدها یا بخش‌های متمایز به کار می‌رود، و در اینجا «نگاه کردم «یا» دیدم «حداقل چهار بخش مختلف را در فصل‌های ۱۴ و ۱۵ مشخص می‌کند. اول از همه، بخش اول در فصل ۱۴ و آیات ۱ تا ۵ یافت می‌شود، جایی که ما رؤیایی از بره و ۱۴۴۰۰۰ نفر می‌بینیم که بر کوه صهیون ایستاده‌اند و پیروزی خود را جشن می‌گیرند.

بخش دوم در فصل ۱۴ و آیات ۶ تا ۱۳ یافت می‌شود و این تصویر سه فرشته است که انجیل و نجات آخرالزمان یا داوری آخرالزمان را اعلام می‌کنند. بخش سوم این است که در فصل ۱۴ و آیات ۱۴ تا ۲۰ رؤیایی از پسر انسان می‌بینیم که برای برداشت محصول زمین می‌آید. در واقع دو تصویر از برداشت محصول، می‌یابیم: یکی برداشت غلات و دیگری برداشت انگور. سپس، در نهایت، در فصل ۱۵ و آیات ۱ تا ۴ مقدسین را می‌بینیم که پیروزمندانه در کنار دریا ایستاده‌اند و سرود پیروزی می‌خوانند و نشان می‌دهند که غلبه کرده‌اند. بنابراین این چهار بخش اصلی هستند که به نوعی در ادامه خواهند آمد، اما اجازه دهید فصل را بخوانم و می‌خواهم توجه داشته باشید که این سه بخش بر اساس آنچه من دیدم یا دیدم، تقسیم ۱۴ شده‌اند.

فصل ۱۴، آنگاه نگاه کردم و آنجا در برابرم بره بر کوه صهیون ایستاده بود و با او ۱۴۴۰۰۰ نفر بودند که نام او و نام پدرش را بر پیشانی خود نوشته بودند، درست برخلاف فصل ۱۳. و صدایی از آسمان شنیدم مانند غرش آب‌های خروشان، و مانند صدای رعد بلند، صدایی که شنیدم مانند صدای چنگ‌نوازی بود که چنگ‌های خود را می‌نواختند، و آنها سرودی جدید در برابر تخت و در برابر چهار موجود زنده و بزرگان می‌خواندند و هیچ کس نمی‌توانست این سرود را بیاموزد، جز ۱۴۴۰۰۰ نفری که از زمین نجات یافته بودند اینها کسانی هستند که خود را با زنان نجس نکردند، زیرا خود را پاک نگه داشتند و بره را هر جا که می‌رود

دنبال می‌کنند. آنها از میان مردم خریداری شده و به عنوان اولین میوه به خدا و بره تقدیم شدند. هیچ دروغی در دهانشان یافت نشد. آنها بی‌عیب هستند.

آنگاه فرشته دیگری را دیدم که در میان هوا پرواز می‌کرد و انجیل ابدی را داشت تا به ساکنان زمین، به هر ملت، قبیله، زبان و مردمی، اعلام کند. او با صدای بلند گفت: از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است تا او را که آسمان و زمین، دریا و چشمه‌های آب را آفریده است، پرستش کنید. فرشته دوم نیز از پی آنها آمد و گفت: «سقوط کرده است، سقوط کرده است بابل بزرگ، که همه ملت‌ها را وادار به نوشیدن شراب دیوانه‌کننده زنهای خود کرد.» و سپس فرشته سوم از پی آنها آمد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی وحش را به تصویر او پرستد و نشان او را بر پیشانی یا دست خود بپذیرد، او نیز از شراب خشم خدا که با تمام قدرت در جام خشم او ریخته شده است، خواهد نوشید.» او در حضور فرشتگان مقدس و بره با گوگرد سوزان عذاب خواهد شد و دود عذاب آنها تا ابد بالا خواهد رفت.

نه روز و نه شب، نه برای آنان که وحش و مجسمه‌اش را می‌پرستند و نه برای هر که نشان نام او را می‌پذیرد، آرامشی نیست. این مستلزم صبر و شکیبایی مقدسینی است که از فرامین خدا اطاعت می‌کنند و به عیسی وفادار می‌مانند. آنگاه صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت: «خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند.»

بله، روح می‌گوید، آنها از زحمات خود آرام خواهند گرفت، زیرا اعمالشان از پی آنها خواهد رفت. آنگاه نگاه کردم و دیدم که ابری سفید پیش روی من است و بر ابر سفید کسی مانند پسر انسان نشسته است که تاجی از طلا بر سر و داسی تیز در دست دارد. سپس فرشته دیگری از معبد بیرون آمد و با صدای بلند به کسی که بر ابر نشسته بود، گفت: داس خود را بردار و درو کن، زیرا زمان درو رسیده است، زیرا محصول زمین آماده است.

پس آن که بر ابر نشسته بود، داس خود را بر زمین نواخت و زمین درو شد. فرشته دیگری از معبد آسمان بیرون آمد و او نیز داسی تیز داشت. با این حال، فرشته دیگری که آتش را روشن کرده بود، از محراب آمد و با صدای بلند به صاحب داس تیز فریاد زد: داس خود را بردار و خوشه انگور را از خاک تاک بچین، زیرا انگورهای آن رسیده است.

فرشته داس خود را بر زمین نواخت، انگورهای آن را چید و آنها را در چرخش بزرگ خشم خدا ریخت. انگورها در چرخش بیرون شهر پایمال شدند و خون از چرخش جاری شد و به اندازه افسار اسب تا مسافت ۱۶۰۰ استادی بالا رفت.

فکر می‌کنم این بخش، خب، با تأیید آنچه در فصل ۱۴ به نظرم می‌رسد، آغاز می‌شود. همانطور که اشاره کردیم، این بخش مجموعه‌ای از صحنه‌های متناوب بین نجات و داوری است و آنچه انجام می‌دهد، نجات و پاداش مؤمنانی است که در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ تحمل کردند، اما اکنون داوری کسانی را به تصویر می‌کشد که وحش را به تصویر او می‌پرستند، کسانی که نشان وحش را دریافت کردند و اساساً از کسانی که سازش کردند و از مقاومت امتناع ورزیدند و در عوض درگیر کل ایدئولوژی روم در ادعاهایش شدند، سر باز زدند.

و بنابراین فصل ۱۴ اکنون صحنه‌هایی از نجات و داوری را به تصویر می‌کشد و دو واکنش متفاوت مردم را، در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ به تصویر می‌کشد. بنابراین فصل ۱۴ با تصویری از بره آغاز می‌شود که به نظر من قرار است تضادی عمده با وحش در فصل ۱۳ باشد. وحش شماره یک، که مانند بره، کشته شد و اکنون به نظر می‌رسد که برخاسته است.

عیسی به عنوان کسی که مُرد و کشته شد اما اکنون زنده است، به تصویر کشیده شده است. حال، وحش نیز با تقلید از این تصویر، وانمود کرد که مرده است، و در واقع، او به دلیل مرگ و رستاخیز مسیح مُرد، اما اکنون به نظر می‌رسد که زنده است. بنابراین، وحش اول تقلیدی از عیسی مسیح است، اما وحش دوم نیز در فصل ۱۳ به عنوان یکی از آنها توصیف شده است، و آیه ۱۱ به عنوان حیوانی توصیف شده است که دو شاخ مانند بره دارد.

بنابراین، منظور از بره در اینجا، در تضاد مستقیم با دو جانور از باب ۱۳ است. حال، آنچه ما می‌یابیم عیسی مسیح و پیروانش است. به عبارت دیگر، در باب ۱۳، ما دو جانور و پیروانشان را یافتیم، و سپس کسانی که از پیروی امتناع می‌کنند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اما اکنون کسانی که در باب ۱۳ از پیروی امتناع می‌کنند و از بره پیروی کرده‌اند، اکنون در کنار بره پیروز در صهیون ایستاده‌اند.

نفری که قبلاً در فصل ۷ با آنها آشنا شدیم. در آنجا گفتیم که آنها نمایانگر ارتشی قدرتمند ۱۴۴۰۰۰ بودند که همان کلیسا است و تصاویر عهد عتیق از اسرائیل به عنوان یک ارتش را تحقق می‌بخشد. حال کلیسایی که به عنوان یک ارتش بود، برای جنگیدن بیرون رفت، اما این کار را از طریق شهادت رنج خود انجام داد. اکنون در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ می‌بینیم که وحش به نبرد پرداخت.

این [دشمنان] با مقدسین جنگید، اما اکنون مقدسین به دلیل شهادت رنج‌آورشان پیروز می‌شوند. اکنون آنها در کنار رهبر خود، عیسی مسیح، ایستاده‌اند و پیروزی خود را در کوه صهیون جشن می‌گیرند. ما قبلاً نیز اشاره کردیم که این واقعیت که آنها باکره یا کسانی که خود را با زنان آلوده نکرده‌اند، نامیده می‌شوند، احتمالاً تأکیدی دوگانه دارد.

اولاً، احتمالاً این موضوع از تنبیه، مثلاً تصریح عهد عتیق، که در زمان نبرد، جنگجویان مرد از روابط جنسی پرهیز می‌کردند، منعکس می‌شود. اما همچنین احتمالاً این صرفاً نمادی از پاکی است که آنها خود را با اعمال بت‌پرستانه روم در فصل ۱۲ و به‌ویژه فصل ۱۳ آلوده نکرده‌اند. در عوض، اکنون آنها پیروز شده‌اند زیرا مقاومت کردند.

آنها از نجس کردن خود امتناع ورزیدند. بنابراین، این ممکن است اشاره‌ای تحت‌اللفظی به پاکی جنسی نباشد، اگرچه می‌تواند شامل آن نیز باشد. اما من فکر می‌کنم بیشتر اشاره‌ای به اعمال بت‌پرستانه و وفاداری و پرستش روم در فصل ۱۳ است که در حال اجرا بود، اما آنها از شرکت در آن امتناع ورزیدند و عواقب آن را متحمل شدند.

اکنون، آنها پیروز شده‌اند زیرا مقاومت کردند و از سازش امتناع ورزیدند. همچنین می‌خواهم توجه داشته باشید که این آیات در فصل ۱۴ بیشتر تأیید می‌کنند که این ۱۴۴۰۰۰ نفر احتمالاً نماینده قوم خدا به طور گسترده‌تری هستند. آنها فقط قوم بنی‌اسرائیل نیستند.

آنها فقط بخشی از قوم گسترده‌تر خدا نیستند. اما توجه کنید که چگونه توصیف شده‌اند. آنها به عنوان خریده شده از میان انسان‌ها و به عنوان نجات یافته از زمین توصیف شده‌اند.

زبانی که از مکاشفه ۱ و ۵ برمی‌آید، عیسی را در حال رهایی مردم از زمین از میان مردم از هر قبیله و زبان و ملتی که آنها را می‌خرد تا پادشاهی کاهنان را از آنها بسازد، نشان می‌دهد. بنابراین من اینطور برداشت می‌کنم که ۱۴۴۰۰۰ نفر دوباره تصویری از کسانی است که توسط عیسی مسیح بره نجات یافته‌اند، کسانی که از تمام زمین نجات یافته‌اند تا اکنون قوم او و کسانی که قوم بره هستند تشکیل دهند. بنابراین این قوم بین‌المللی خدا از یهودی و غیریهودی است، قوم واقعی خدا که اکنون به عنوان یک ارتش به تصویر کشیده شده است، ۱۴۴۰۰۰ نفری که با بره، رهبر خود در کوه صهیون، پیروز ایستاده‌اند.

این احتمالاً با فصل‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ نیز در تضاد است، از این دیدگاه که اگرچه در فصل ۱۱، دو شاهد در نهایت تبرئه می‌شوند، اما در فصل ۱۱، به نظر می‌رسد که دو شاهد شکست می‌خورند. در فصل‌های ۱۲ و ۱۳، آنها همچنین به نظر می‌رسد که شکست می‌خورند، زیرا اژدها و دو فرزندش، وحش، اجازه می‌یابند تا علیه قوم خدا جنگ کنند و ظاهراً آنها از دست وحش، دو وحش و خود اژدها شکست می‌خورند. اما اکنون در فصل ۱۴ آنها به عنوان ارتشی قدرتمند نشان داده می‌شوند که پیروز می‌شوند و در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ پیروزی جنگ را به دست آورده‌اند و اکنون با رهبر خود، عیسی مسیح، پیروز می‌شوند.

آیه ۴ از فصل ۱۴ احتمالاً آیه مورد علاقه من در کل کتاب مکاشفه است و فکر می‌کنم یکی از، اگر نگوییم مهم‌ترین، مضمون مکاشفه را در بر می‌گیرد، و آن ۱۴۴۰۰ نفری است که به عنوان کسانی توصیف شده‌اند که بره را هر جا که می‌رود دنبال می‌کنند. مضمون اصلی کتاب این است که قوم خدا کسانی هستند که بره را هر جا که می‌رود دنبال می‌کنند، حتی اگر به معنای پیروی از او تا سر حد مرگ باشد. قوم خدا کسانی هستند که از سازش امتناع می‌کنند؛ آنها از همرنگ شدن با این دنیا امتناع می‌کنند. در عوض، آنها بره را هر جا که می‌رود دنبال می‌کنند.

در اینجا، آنها او را تا پیروزی دنبال می‌کنند و به عنوان کسانی که از دنیا پاک و بی‌آلایش باقی مانده‌اند، به تصویر کشیده شده‌اند. به این آیه توجه کنید: آنها هر جا که بره می‌رود، او را دنبال می‌کنند، که درست در انتهای توصیف آنها به عنوان کسانی که خود را از طریق اعمال بت‌پرستانه آلوده نکرده‌اند، آمده است. بنابراین پیروی از بره هر جا که او می‌رود به معنای پیروی از او با پاک بودن، با امتناع از سازش با دنیای شیطانی بت‌پرست است، اما همچنین به وضوح، در متن گسترده‌تر مکاشفه، به معنای انجام این کار حتی در مواجهه با رنج و مرگ است، همانطور که عیسی مسیح انجام داد.

دو تصویر مهم دیگر در این بخش که توجه شما را به آنها جلب می‌کند، تصویر کوه صهیون است. بدون اینکه وارد جزئیات زیادی شویم، کوه صهیون پیشینه‌ای در عهد عتیق نیز دارد. کوه صهیون تصویری از مکانی است که خدا در آن حکومت می‌کند، مکانی برای حفاظت و امنیت.

ما در متون نبوی عهد عتیق می‌بینیم که صهیون مکانی است که خدا قوم خود را در آنجا نجات خواهد داد؛ اشعیا فصل ۲ و آیه ۲، مزمور فصل ۴۸، تمام متونی که به نجات قوم خود توسط خدا و آمدن آنها به کوه صهیون اشاره دارند. به عنوان مثال، و من فقط یکی از آنها را در اشعیا فصل ۲، در همان ابتدای کتاب، در صحنه‌ای که داوری نهایی خدا و قومش، نجات نهایی خدا، داوری خدا و دشمنانش را پیش‌بینی می‌کند می‌خوانم، اما اکنون نجات نهایی که خدا برای قوم خود به ارمغان خواهد آورد که جالب توجه است که شامل ملت‌ها نیز خواهد شد، اشعیا این را می‌گوید، این چیزی است که اشعیا پسر آموص در مورد یهودا و اورشلیم دید، در روزهای آخر کوه معبد خداوند به عنوان بلندترین کوه در میان کوه‌ها برپا خواهد شد. در میان تپه‌ها برافراشته خواهد شد و همه ملت‌ها به سمت آن سرازیر خواهند شد.

بسیاری از مردم خواهند آمد و خواهند گفت: بیایید به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب برویم. او راه‌های خود را به ما خواهد آموخت تا در راه‌های او گام برداریم. شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد صهیون در آنجا به کل شهر اورشلیم اشاره دارد، جایی که تخت خدا در آن قرار دارد، جایی که معبد در آن است، جایی که خدا حکومت می‌کند، مکان حفاظت، جایی که اکنون خدا نجات را برای قوم خود به ارمغان می‌آورد. صهیون احتمالاً با اورشلیم جدید آخرالزمان در فصل‌های ۲۱ و ۲۲ مکاشفه یکی دانسته می‌شود. بنابراین، به یک معنا، این صحنه صحنه دیگری است که صرفاً برای شرح و بسط بیشتر و افشای بیشتر، که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ رخ می‌دهد، آماده می‌شود.

بنابراین اکنون قوم خدا در صهیون، مکان حضور خدا، مکان حفاظت و مکان نجات، ایستاده‌اند. اصطلاح جالب دیگر در آیه ۴ آمده است، آنها همچنین به عنوان اولین میوه‌ها توصیف شده‌اند. میوه اول در عهد عتیق است، اما شما می‌توانید آن را به این شکل در عهد جدید نیز بیابید.

به معنای واقعی کلمه یک اصطلاح کشاورزی یا اصطلاح برداشت (New fruit: به انگلیسی) میوه‌های نوبر محصول بود که به بخش اول برداشت محصول اشاره داشت که تضمینی برای برداشت بیشتر بود. در واقع، این محصول جدا از هر چیز دیگری نبود، بلکه بخشی از خود برداشت بود. این بخش اولیه از برداشت کامل‌تری بود که هنوز به ثمر نرسیده بود.

و ما این را در کاربرد عهد جدید می‌یابیم. برای مثال، پولس در اول قرن‌تین ۱۵ و جاهای دیگر در کولسیان باب ۱، می‌تواند به رستخیز عیسی به عنوان اولین میوه اشاره کند؛ یعنی رستخیز مسیح اولین بخش از رستخیزهای بیشتر در آینده است. یعنی، رستخیز مسیح یک چیز نیست و به نوعی الگویی برای رستخیزهای بیشتر ارائه می‌دهد؛ رستخیز مسیح در واقع آغاز رستخیز آخرالزمان است که قوم او نیز آن را تجربه خواهند کرد.

اما رستخیز جسمانی خود عیسی، اولین ثمره یا به عبارت دیگر، اولین بخش از بقیه رستخیزهایی است که هنوز در راهند. حال، در اینجا، احتمالاً باید اینطور برداشت شود که ۱۴۴۰۰۰ نفر گروهی هستند که منتظر رستخیزهای بیشتری در آینده هستند. این قطعاً با تصویر یک ثمره اولیه سازگار است.

برخی دریافته‌اند که ۱۴۴۰۰۰ نفر در اینجا گروهی خاص هستند، اما آنها اولین ثمرات یک گروه بزرگتر هستند که هنوز در راه است. مشکل این است که وقتی به متن اینجا نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که در اینجا، همانطور که در فصل ۷، جایی که ۱۴۴۰۰۰ نفر به زبان نمادین به جمعیتی بی‌شمار تبدیل شدند که در حضور خدا در برابر تخت سلطنت ایستاده و از میراث خود لذت می‌بردند، به نظر من در اینجا در فصل ۱۴، ایستاده بر کوه صهیون با بره و پیروز، به خصوص اگر پیش از مکاشفه ۲۱ و ۲۲ باشد، صحنه‌ای پیش‌بینی‌شده از آینده نخواهید داشت.

شما نجات نهایی، نتیجه نهایی نبرد و نجات نهایی قوم، تعداد کامل قوم خدا در پایان عصر پس از نبرد را دارید. بنابراین در اینجا قوم نهایی در پایان تاریخ را دارید، نه گروهی که نشان دهنده آینده باشد. اما جالب اینجاست که در عهد عتیق، ما میوه‌های نوبر را به این صورت می‌یابیم که کل قوم اسرائیل اولین میوه هستند، نه به این صورت که بیشتر در راه باشند، بلکه به این صورت که کل قوم به عنوان یک پیشکش یا به عنوان اولین میوه‌ها در نظر گرفته می‌شوند.

برای مثال، ما این عبارت برداشت یا اولین میوه‌ها را در ارمیا فصل ۲، آیات ۲ و ۳ می‌یابیم، جایی که اسرائیل اولین برداشت نامیده می‌شود. تمام ملت اسرائیل اولین برداشت نامیده می‌شود. بنابراین، ارمیا فصل ۲، دوباره در همان ابتدای کتاب، و ۲ و ۳. بیایید ببینیم، ارمیا فصل ۲، آیات ۲ و ۳. آیا اینها همان کسانی هستند که من می‌خواهم؟ کلام خداوند در شانزدهمین سال سلطنت یوشیا، پسر آمون، پسر یهوذا، بر او نازل شد.

به دلایلی، این متنی نیست که می‌خواهم. شاید ۲۲ باشد. بعداً سعی می‌کنم آن را پیدا کنم.

ارمیا از زبان «نوبر» برای اشاره به کل قوم اسرائیل استفاده می‌کند، نه بخشی از آنها. شما زبان مشابهی را در حزقیال فصل‌های ۲۰ و ۴۰ تا ۴۱ از کتاب اسرائیل می‌بینید، جالب اینجاست که در مورد کوه با نوبر مرتبط است. در عهد جدید، در یعقوب فصل ۱۸، قوم خدا، کل قوم خدا را می‌بینید که به عنوان نوبر توصیف شده‌اند، نه نوبرهای آینده، بلکه کل قوم خدا.

بنابراین در مکاشفه ۱۴، همراه با عهد عتیق، حداقل چند مورد از کاربرد عهد عتیق از نوبرانه‌ها وجود دارد؛ نوبرانه‌ها در اینجا ۱۴۴۰۰ نفر را نشان می‌دهند، نه به عنوان گروهی که منتظر نوبرانه‌های بیشتری هستند بلکه کلمه نوبرانه در اینجا کل قوم خدا در آخرالزمان را در پایان تاریخ به تصویر می‌کشد که اکنون به عنوان نوبرانه، به عنوان پیشکشی به خدا به تصویر کشیده می‌شوند. بنابراین، برخلاف فصل ۱۳، می‌خواهم به آن برگردم. فکر می‌کنم مفهوم این ۱۴۴۰۰ نفر در اینجا، که نمادی از کل قوم خدا در آخرالزمان به عنوان نوبرانه است، برای کمک به ما در درک تصویر دیگری که بعداً در فصل ۱۴ می‌آید، مهم خواهد بود.

اما در این مرحله، برخلاف باب ۱۳، جایی که وحش تمام جهان را فریب می‌دهد، او آنها را فریب می‌دهد تا به آنها بیعت کنند، به وحش بیعتی را می‌دهد که او مطالبه می‌کند و لازم می‌داند، و همچنین جایی که با قوم خدا جنگ می‌کند. اکنون قوم وفادار خدا را می‌بینید که پیروز ایستاده‌اند، پس از نبرد با ارژدها و با وحش باب‌های ۱۲ و ۱۳. اکنون آنها با رهبر خود، بره، و با نشان خدا بر پیشانی خود ایستاده‌اند، نه نشان وحش باب ۱۳.

و اکنون آنها ناپاک و بی‌آلایش از جهان ایستاده‌اند و سرودی را می‌خوانند که پیروزی آنها را با بره بر کوه صهیون جشن می‌گیرد. بنابراین، این بخش اول رؤیا به وضوح قرار است نوعی تفسیر، نمایشی از نتیجه درگیری روایت شده در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ باشد. اما اکنون در بخش بعدی، آیات ۶ تا ۱۳ نشان می‌دهد که چه اتفاقی برای کسانی که با وحش همراه شدند، می‌افتد.

چه اتفاقی برای کسانی می‌افتد که در فعالیت فریبدهی وحش گرفتار شده‌اند، کسانی که علامت وحش را بر خود گرفته‌اند، علامتی که نمادی از یکی شدن با، نشان دادن وفاداری و پرستش وحش است، شاید برای جلوگیری از آزار و اذیت یا جلوگیری از تحریم‌های اقتصادی در پایان فصل ۱۳. چه اتفاقی برای کسانی می‌افتد که علامت وحش را بر خود گرفته‌اند، با وحش یکی شده‌اند و به او پرستش و وفاداری کرده‌اند؟ فصل‌های ۶ و ۱۳ شکست کسانی را روایت می‌کنند که مقاومت نکردند، کسانی را که از مقاومت امتناع ورزیدند و کسانی را که سازش کردند.

و حول محور گفتار سه فرشته مختلف شکل گرفته است. فرشته شماره یک می‌آید تا یک انجیل ابدی را اعلام کند. حال، جالب است که محتوایی که او اعلام می‌کند، ترس از خدا و جلال دادن به اوست.

جالب اینجاست که همان زبانی که در فصل‌های ۱۱ و ۱۳ تا ۱۴ دیدیم، جایی که برخی از بازماندگان داوری از خدا می‌ترسیدند و او را جلال می‌دادند، نشان می‌دهد که هم در اینجا و هم در آنجا در فصل ۱۱، ممکن است اشاره‌ای به توبه داشته باشید. بنابراین آنچه در اینجا دارید این است که این فرشته دعوت به توبه می‌کند و مفهوم آن برای کسانی است که امتناع می‌کنند، نه کسانی که تصمیم می‌گیرند از وحش پیروی کنند؛ اکنون آنها داوری را دریافت خواهند کرد. این شامل کسانی در کلیسا نیز می‌شود که سازش می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند سرنوشت خود را با روم و سیستم بت‌پرستی و بی‌خدایی آن در میان بگذارند.

بنابراین، فرشته شماره یک، انجیلی را اعلام می‌کند، و کسانی که آن را رد می‌کنند، خود را در معرض قضاوت نهایی در سخنرانی فرشته اول خواهند یافت. این در کنار آن است، و احتمالاً نباید این سه را جداگانه ببینیم شاید دو فرشته بعدی واضح‌تر توصیف کنند که چه اتفاقی برای کسانی که پیام فرشته شماره یک را رد می‌کنند، خواهد افتاد.

کسانی که از ترس خدا و جلال دادن به او امتناع می‌کنند، با داوری روبرو خواهند شد و اکنون دقیقاً همان چیزی است که آنها در آیات هشتم و پس از آن در قالب دو فرشته بعدی با آن روبرو هستند. فرشته

شماره دو، داوری بر بابل را اعلام می‌کند. این احتمالاً پیشینه‌ای در عهد عتیق، دانیال فصل چهارم و آیه ۳۰ و سایر متون عهد عتیق دارد که داوری خود بابل را به تصویر می‌کشند.

اما آنچه در اینجا داریم اولین پیش‌بینی در ۱۴:۸ است، بابل بزرگ سقوط کرده‌ای که همه ملت‌ها را وادار به نوشیدن شراب دیوانه‌کننده زنهای خود می‌کند. در اینجا اولین پیش‌بینی چیزی را می‌بینیم که با جزئیات بیشتر در فصل‌های ۱۷ و ۱۸ شرح داده خواهد شد، جایی که توصیفی از بابل و سپس شرح مفصلی از سقوط و داوری و نابودی آن را می‌یابیم. احتمالاً در اینجا باید بابل را به عنوان رمزی برای روم در نظر بگیریم.

این بابل است که به عهد عتیق برمی‌گردد. بابل تقریباً در حال تبدیل شدن است. ما در مورد این موضوع در فصل‌های ۸، ۱۷ و ۱۸ بیشتر صحبت خواهیم کرد، اما بابل تقریباً در حال تبدیل شدن به یک تصویر یا نمادی برای یک ملت یا امپراتوری ضدخدا، متکبر، بت‌پرست، ستمگر و ظالم است. بابل تقریباً به نمادی برای آن تبدیل می‌شود.

حال، این برجسب به طور مناسب برای امپراتوری روم، که یک امپراتوری دیگر پی‌خدا، متکبر، خشن، ستمگر و بت‌پرست است، اعمال می‌شود. بابل عنوان مناسبی است، به طوری که همان ویژگی‌هایی که در بابل باستان تجسم یافته‌اند، اکنون دوباره ظاهر می‌شوند و در شهر روم قرن اول، در امپراتوری روم قرن اول که یوحنا به آن می‌پردازد، تجسم می‌یابند. این موضوع را در فصل ۱۶ و آیه ۱۹، چند فصل بعد، تکرار خواهیم کرد و سپس، همانطور که گفتیم، در فصل‌های ۱۷ و ۱۸ با جزئیات بیشتری روایت می‌شود.

بنابراین ایده اینجا این است که اگر بابل سقوط کند، کسانی که به آن تعلق دارند و با او سازش می‌کنند نیز سقوط خواهند کرد. بنابراین، این فقط تخریب یک شهر فیزیکی نیست، بلکه کسانی که به آن تعلق دارند نیز اگر از خدا نترسند و توبه نکنند، به همان سرنوشت دچار خواهند شد. پیام فرشته فصل ۱ این است که اگر از مقاومت خودداری کنند، و اگر سازش کنند، به سرنوشت بابل دچار خواهند شد، که اکنون فرشته اعلام می‌کند در مورد سقوط در داوری است. فرشته سوم نیز پیامی را اعلام می‌کند و این پیام به وضوح عواقب وفاداری به وحش را نشان می‌دهد، همانطور که در فصل ۱۳ دیده می‌شود.

و بنابراین در اینجا، داوری بر کسانی که از باب ۱۳ آمده‌اند، اعلام می‌شود. به کسانی که در آیه ۱۰، یعنی کسانی که تصویر او را پرستش کردند، کسانی که در آیه ۹، یعنی کسانی که نشان وحش را بر پیشانی یا دست خود دریافت کردند، توجه کنید؛ این دو توصیف مستقیماً به باب ۱۳ برمی‌گردند. بنابراین کسانی که در باب نشان وحش را دریافت کردند، آن تصویر را پرستش کردند و به روم بت‌پرست و پی‌خدا وفادار ماندند؛ ۱۳ اکنون این داوری است که بر او نازل خواهد شد.

و آنچه در این توصیف می‌یابیم، در واقع زبانی است که داوری نهایی را که در فصل‌های ۱۸ تا ۲۰ خواهیم یافت، پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، این نوعی نگاه اجمالی سریع به آینده است، پیش‌بینی داوری نهایی که در فصل‌های بعدی به طور کامل‌تری بسط داده خواهد شد، اگرچه بخش زیادی از آن زبان در اینجا برای توصیف سرنوشت کسانی که سرنوشت خود را با روم بابل گره زده‌اند، کسانی که وفاداری و پرستش خود را به وحش، به امپراتوری بت‌پرست، پی‌خدا و ستمگر داده‌اند، آمده است. و به زبانی که استفاده می‌شود توجه کنید.

اول از همه، آن را به عنوان نوشیدن جام خشم خدا توصیف می‌کنند. در عهد عتیق، خشم خدا به عنوان یک جام شراب، استعاره‌ای رایج برای داوری خدا بود، همانطور که مخلوط کردن آن شراب به روشی که با آب رقیق نشده بود اما در عوض از قدرت کامل برخوردار بود، نیز چنین بود. بنابراین خشم خدا در آن زمان با قدرت کامل داده خواهد شد.

در ارمیا فصل ۲۵، که ممکن است زمینه‌ای برای این زبان در میان سایر متون عهد عتیق فراهم کند، اما به نظر می‌رسد این یکی مهم باشد؛ در ارمیا فصل ۵ و آیات ۱۵ تا ۱۸، این را می‌خوانیم: این چیزی است که خداوند، خدای اسرائیل، به من گفت، این جام پر از شراب خشم مرا از دست من بگیر و به همه ملت‌هایی که تو را نزد آنها می‌فرستم، بنوشان. وقتی آن را بنوشند، به خاطر شمشیری که در میان شما خواهم فرستاد، تلوتلو خواهند خورد و دیوانه خواهند شد. پس من جام را از دست خداوند گرفتم و به همه ملت‌هایی که مرا نزد آنها فرستاده بود، یعنی اورشلیم و شهرهای یهودا، پادشاهان و بزرگان آن، نوشاندم تا آنها را به ویرانه‌ای و مایه وحشت و تمسخر و نفرین تبدیل کنم، همانطور که امروز هستند.

فرعون، پادشاه مصر، ملازمانش و غیره و غیره. بنابراین ارمیا فصل ۲۵ یکی از مهمترین متونی است که زمینه را برای مفهوم جام شراب خالص، شرابی با غلظت کامل، شراب رقیق نشده، فراهم می‌کند که نشانگر خشم خداست و باعث می‌شود ملت‌ها از آن بنوشند و مست شوند، سپس نمادی از ریختن داوری خدا بر بشریت. شرور توسط خدا می‌شوند. بنابراین، ملت‌ها به طرز جالبی، مست از خشم خدا به تصویر کشیده شده‌اند.

بعداً خواهیم دید، و در واقع، ما این را در آیه ۸ دوباره می‌بینیم تا دوباره نشان دهیم که این پیام‌ها به هم مرتبط هستند. در آیه ۸، بابل سقوط می‌کند. چرا؟ زیرا همه ملت‌ها را وادار کرده است که شراب زنای او را بنوشند.

بنابراین تمام ملت‌ها به دلیل فساد، بت‌پرستی، به دلیل ملت ستمگر و شرارت و پلیدی امپراتوری روم مست هستند. به همین دلیل است که قرار است نابود شود؛ این باعث شده است که ملت‌ها از آن بنوشند. ملت‌ها از حکومت روم مست شده‌اند.

حالا به نظر می‌رسد نویسنده به مفهوم مجازات متناسب با جرم استناد می‌کند. یعنی بابل، روم ملت‌ها را با شراب خود مست کرده است. حالا خدا می‌خواهد آنها را با شراب خود که شراب خشم خداست، مست کند.

بنابراین، مجازات متناسب با جرم خواهد بود. نه تنها بابل، بلکه همه کسانی که با بابل معاشرت می‌کنند، همه کسانی که در اعمال شیطانی بت‌پرستانه بابل و روم شرکت می‌کنند، اکنون از خشم خدا، از شراب خشم او مست خواهند شد. نکته دوم این است که به زبان داوری ابدی توجه کنید، جایی که این زبان دود و گوگرد را دارید که برای همیشه و تا ابد بالا می‌رود.

احتمالاً این زبان دود و گوگرد، تصویر یا نمادگرایی دیگری است که از عهد عتیق و همچنین زبان آخرالزمانی سرچشمه می‌گیرد. این زبان صرفاً نمایانگر رنج شدید و طاقت‌فرسای ناشی از داوری الهی است که اکنون بر مردم نازل می‌شود. و دود به گونه‌ای توصیف شده است که برای همیشه و تا ابد بالا می‌رود.

جالب اینجاست که وقتی به فصل ۱۷ یا ۱۸ مکاشفه می‌رسید، نابودی بابل به این صورت توصیف شده است که دودی تا ابد به هوا می‌رود. بنابراین این متن در حال حاضر تصویری کامل‌تر از داوری را به شما ارائه می‌دهد، نه یک داوری جداگانه یا متفاوت. این همان داوری است، اما در فصل‌های بعدی به طور کامل‌تر و با جزئیات بیشتر شرح داده خواهد شد.

به نظر می‌رسد که این لحن و بیان، مثلاً، منعکس کننده فصل ۳۴ کتاب اشعیا است. اگر به فصل ۳۴ کتاب اشعیا و آیات ۹ و ۱۰ آن برگردید، فکر می‌کنم لحن مشابهی را در زمینه‌ی داوری در فصل ۳۴ و آیات ۹ و ۱۰ خواهید یافت. زیرا خداوند روز انتقام و سال انتقامی برای حمایت از آرمان صهیون دارد ۹.

جالب است که به نام صهیون در ارتباط با صهیون که در ابتدای آیه ۱۴ ذکر شده است، توجه کنید. نهرهای عدن به قیر و غبار آن به گوگرد سوزان تبدیل خواهد شد. سرزمین او به قیر مشتعل یا آتشین تبدیل خواهد شد.

شب و روز از هم تشخیص داده نخواهد شد، دود آن تا ابد بلند خواهد شد. نسل اندر نسل، ویران خواهد ماند. دیگر هرگز کسی از آن عبور نخواهد کرد.

بنابراین به زبان آتش و گوگرد در متن داوری توجه کنید. به زبان دود که برای همیشه و همیشه به عنوان نشانه‌ای از داوری خدا بالا می‌رود توجه کنید که به نظر می‌رسد یوحنا در اینجا به آن اشاره می‌کند. اما باز هم، جالب اینجاست که در اشعیا ۳۴، در متن حفاظت از صهیون، که در ابتدای فصل ۱۴ نیز یافت می‌شود، آمده است.

بنابراین یوحنا در حال ترسیم است؛ او صرفاً در حال جمع‌آوری عبارات از صحنه‌های داوری عهد عتیق است تا داوری خدا بر یک امپراتوری شرور، بد، ستمگر و بت‌پرست دیگر و کسانی که به آن تعلق دارند را توصیف کند. بنابراین، یک بار دیگر، نباید این عبارت را به معنای واقعی کلمه به عنوان توصیف لزوماً نوعی عذاب جسمی تحت اللفظی که مردم به دلیل استنشاق دود یا به دلیل گوگرد متحمل می‌شوند، در نظر بگیریم. و مطمئناً، نباید این را به عنوان اشاره‌ای به جنگ هسته‌ای آخرالزمان یا چیزی شبیه به آن در نظر بگیریم.

اما یوحنا از نمادگرایی نسبتاً رایج عهد عتیق استفاده می‌کند تا معنا و قطعیت داوری خدا را به همان روشی که او امپراتوری‌های شرور گذشته را داوری می‌کرد، به تصویر بکشد. بنابراین، قوم خدا در قرن اول می‌توانند مطمئن باشند که او روم و همچنین هر امپراتوری شرور دیگری را که همان نقش را ایفا کند، داوری خواهد کرد. بنابراین، اعلامیه فرشته‌ای در این سه بخش، در کل این سه بخش، احتمالاً قرار است با هم باشند.

این فراخوانی برای توبه، ترس از خدا و جلال دادن به اوست. امتناع از انجام این کار، آنها را در سرنوشت بابل، که سقوط است، درگیر خواهد کرد و همچنین آنها را به صورت دود ابدی یا گوگرد سوزان با استفاده از تصاویر عهد عتیق، و همچنین با استفاده از تصویر مست بودن با شراب، دریافت کننده خشم خدا قرار خواهد داد، نماد یا تصویر کاسه‌ای پر از شراب رقیق نشده نمادی از خشم خداست. بنابراین، این آیات در مقابل فصل ۱۴، آیات ۱ تا ۵ قرار دارند، که نشان می‌دهد چه اتفاقی برای قوم خدا می‌افتد که با ایمان در نبرد خود با شیطان و وحش در فصل‌های ۱۲ و ۱۳ مقاومت و پایداری می‌کنند.

حال، پیام این سه فرشته نشان می‌دهد که چه اتفاقی برای روم و وحش و کسانی که با آنها تباری می‌کنند می‌افتد، کسانی که فریب می‌خورند و پرستش و وفاداری می‌کنند و علامت وحش را بر خود می‌گیرند و وحش و تصویر او را در فصل ۱۳ می‌پرستند. آیات ۱۲ و ۱۳ و سپس از این فصل، فصل ۱۴، برای نشان دادن این است که این داوری، آیه ۱۲، خواستار استقامت صبورانه از سوی مقدسین است. به عبارت دیگر، این داوری برای ایجاد انگیزه در قوم خدا برای استقامت است.

این اطمینان که خدا واقعاً باز خواهد گشت و قوم خود را داوری و تیرئه خواهد کرد، باید قوم خدا را به استقامت تشویق کند. علاوه بر این، باید هشدار برای آنها باشد، برای کسانی که می‌خواهند سازش کنند برای کسانی که در چارچوب حکومت روم سهل‌انگار می‌شوند، برای کسانی که می‌خواهند سازش کنند و فکر می‌کنند پرستش وحش، پرستش روم و مشارکت در اعمال بت‌پرستانه آن اشکالی ندارد، شاید برای جلوگیری از آزار و اذیت یا هر چیز دیگری، این متون به ما یادآوری می‌کنند که اگر آنها استقامت نکنند، خود را به عنوان دریافت‌کنندگان داوری‌هایی که در پیام این سه فرشته آمده است، خواهند یافت. بنابراین، این به

معنای ایجاد انگیزه در مسیحیان است تا اگر قرار است خدا به دلیل شدت آن داوری و موقعیت بیاید و داوری کند، استقامت کنند.

کسانی که وسوسه می‌شوند مصالحه کنند، باید بدانند که امتناع از مصالحه یا امتناع از مقاومت، آنها را نیز مشمول این داوری‌ها خواهد کرد. اما کسانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اکنون می‌توانند انگیزه‌ای برای ادامه داشته باشند، زیرا همانطور که ارواح به سوی قربانگاه فریاد می‌زدند، ای پروردگار، تا کی انتقام خون ما را می‌گیری؟ اکنون در پیام‌های سه فرشته می‌بینیم که خداوند در حال انتقام خون مقدسین خود است، خداوند شهادت وفادار و رنج و مرگ مقدسین خود را تأیید می‌کند. بخش بعدی در فصل ۱۴ بخش جالبی است که با «من نگاه کردم» یا «من دیدم» شروع می‌شود و بخش دیگری را مشخص می‌کند.

نحوه برخورد ما با این موضوع، برای ارائه یک نظر اولیه در مورد نحوه برخورد ما با این بخش و بقیه فصل این است که اینها وقایعی را که پس از فصل ۱۴، آیات ۱ تا ۱۳، رخ می‌دهند، به تصویر نمی‌کشند. اما، فکر می‌کنم همانطور که قرار است این وقایع را در فصل ۱۴، آیات ۱ تا پایان ببینیم، این دو صحنه دیگر این صحنه به شکل برداشت غلات و صحنه به شکل برداشت انگور، اینها وقایعی را که در قسمت اولیه فصل اتفاق می‌افتد، بیشتر توصیف می‌کنند. بنابراین، اینها دو رویداد جداگانه نیستند.

این مجموعه دیگری از تصاویر است، روش دیگری برای به تصویر کشیدن یا توصیف آنچه در بخش اول فصل ۱۴ اتفاق افتاده است. و ما این را در سراسر مکاشفه دیده‌ایم. یوحنا در درجه اول توالی زمانی وقایع منتهی به پایان را به ما ارائه نمی‌دهد.

او حال و آینده خوانندگان را توصیف می‌کند، اما معنای آن را با استفاده از تصاویر و زبان‌های مختلف، که بیشتر آنها از عهد عتیق گرفته شده‌اند، بررسی می‌کند. حال، یوحنا قصد دارد از زبان عهد عتیق، و من فکر می‌کنم از آموزه‌های عیسی نیز، به عنوان ادبیات آخرالزمانی، برای توصیف بیشتر ماهیت داوری خدا که قبلاً به زبان‌های مختلف در فصل ۱۴، آیات ۱ تا ۱۳ توصیف کرده است، استفاده کند. حال، سوال در مورد این دو صحنه، همانطور که گفتیم، ظاهراً این دو صحنه، صحنه‌های داوری هستند.

با این حال، آنها متفاوت هستند، از این نظر که صحنه اول صحنه برداشت غلات است که در آن تصویر پسر انسان با داسی در دست دارد و او بیرون می‌رود و زمین را درو می‌کند. صحنه دوم صحنه فرشته‌ای است که او نیز داسی در دست دارد، اما این فرشته داسی را می‌چرخاند و انگور جمع می‌کند، تاک انگور را جمع می‌کند، جایی که آنها را برای تهیه شراب لگد می‌کند، اساساً نوعی تصویرسازی تحت‌اللفظی پشت این است. بنابراین شما دو صحنه دارید، یک برداشت غلات و یک برداشت انگور.

سوال در رابطه با این موضوع این است که این دو صحنه به طور خاص چه چیزی را به تصویر می‌کشند و چگونه به یکدیگر مرتبط هستند؟ و چگونه به فصل ۱۴، آیات ۱ تا ۱۳، مرتبط می‌شوند؟ مگر اینکه بخواهیم بگوییم این فقط مجموعه‌ای بی‌قید و شرط از تصاویر است، آیا می‌توانیم پیشنهاد دهیم که چگونه به ۱۳ آیه اول فصل ۱۴ مرتبط می‌شوند؟ و دوباره تأکید می‌کنم، اینها را نباید به ترتیب زمانی پس از وقایع فصل ۱۴، ۱ تا ۱۳ در نظر گرفت. اینها فقط راه‌های بیشتری برای به تصویر کشیدن آن وقایع با استفاده از زبان برداشت غلات و انگور در حال حاضر هستند. بنابراین، یوحنا در این دو صحنه چه می‌بیند؟ کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که هر یک از آنها را در نظر بگیرم و سعی کنم پیشینه و آنچه اتفاق می‌افتد را توصیف کنم و سپس سوال مربوط به رابطه آنها با یکدیگر را مطرح کنم، که فکر می‌کنم با شروع توصیف آنها روشن خواهد شد.

اولین صحنه در آیات ۱۴ تا ۱۷ یافت می‌شود و آن صحنه برداشت غلات است. و با یادآوری فصل ۷ کتاب دانیال در آیه ۱۳ آغاز می‌شود. این صحنه با نشستن پسر انسان بر ابر آغاز می‌شود.

و ضمناً، به نظر می‌رسد که یوحنا در اینجا، شاید عمداً، چنین به نظر می‌رسد، اما مطمئناً با سایر تصاویر، عهد جدید از آمدن مسیح بر روی ابر سازگار است. اول تسالونیکیان فصل ۴ و آیات ۱۳ و بعد از آن آموزه‌های خود عیسی در متی ۲۴ و جاهای دیگر، اما شاید همه اینها به دانیال فصل ۷ و این زبان پسر انسان که بر ابرها نشسته یا می‌آید، برمی‌گردد. دانیال ۷ زمینه را برای زبان پسر انسان که بر روی ابر سفیدی که یوحنا می‌بیند نشسته است، فراهم می‌کند.

و نکته جالب این است که برخلاف رؤیای باب ۱، که در آن یوحنا پسر انسان را به زبانی برگرفته از باب ۷، دانیال می‌بیند، دوباره رؤیای معروف پسر انسان، برخلاف مکاشفه ۱، که در آن یوحنا پسر انسان را می‌بیند، اما شمشیری از دهانش بیرون می‌آید، اکنون یوحنا پسر انسان را می‌بیند که بر روی ابرها می‌آید، اما اکنون داسی تیز در دست دارد. داس احتمالاً مضمون داوری را القا می‌کند. و بنابراین، ما این تصویر از پسر انسان را داریم که اکنون برای داوری می‌آید، اما جالب است که پسر انسان، اگر قرار است با مسیح یکی دانسته شود، که فکر می‌کنم با توجه به باب ۱ و جاهای دیگر به وضوح اینطور است، اگر این پسر انسان باشد، جالب است که فرشته‌ای می‌آید و به او دستور می‌دهد که داس خود را بچرخاند و زمین را درو کند.

به همین دلیل، من پیشنهاد کرده‌ام که پسر انسان در اینجا عیسی مسیح نیست یا باید موجود فرشته‌ای دیگری باشد. چطور ممکن است فرشته دیگری بر پسر انسان، بر عیسی، اقتدار داشته باشد و به او بگوید، چه کار کند؟ اما من فکر می‌کنم نکته کلیدی این است که بدانیم فرشته از کجا می‌آید. فرشته از معبد همان خانه خدا، می‌آید. بنابراین، من فکر می‌کنم تصویر اینجا فقط این نیست که فرشته اقتدار دارد به پسر انسان بگوید چه کار کند، بلکه فرشته پیامی از معبد می‌آورد، یا فرشته پیامی از خدا می‌آورد، اکنون به پسر انسان می‌گوید که برداشت محصول فرا رسیده است.

محصول رسیده است و زمان برداشت محصول فرا رسیده است. دو پیشینه احتمالی در عهد عتیق وجود دارد. اول از همه، در متی فصل ۱۳ و آیات ۲۴ تا ۳۰، می‌بینیم که عیسی از تصویر برداشت غلات برای به تصویر کشیدن داوری نهایی و برداشتی که در پایان تاریخ اتفاق می‌افتد، جایی که علف‌های هرز سوزانده می‌شوند، استفاده می‌کند.

جهان به عنوان مزرعه‌ای از علف‌های هرز و گندم دیده می‌شود که با هم رشد می‌کنند. علف‌های هرز بیرون آورده می‌شوند، سوزانده می‌شوند، دانه و علف هرز بیرون آورده می‌شوند و برای نگهداری ایمن در انبار قرار می‌گیرند زیرا خوب هستند. این محصول مثبتی است که عیسی در متی فصل ۱۳ برداشت آن را می‌بیند.

بعداً، در یوحنا فصل ۴، یوحنا فصل ۴، و آیات ۳۴ تا ۳۸، عیسی به برداشت محصول رسیده اشاره می‌کند و از شاگردانش می‌خواهد که برای حیات جاودان برداشت کنند. این ممکن است یک مثال یا یک جایی باشد که به نظر می‌رسد یوحنا با آموزه‌های عیسی و تصویر برداشت غلات در ارتباط است. اما چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید این است که اگر یوحنا از آموزه‌های عیسی الهام می‌گیرد، جالب است که در مورد اول، در مثال اول، متی ۱۳، علف‌های هرز سوزانده و از بین می‌روند، اما غلات حفظ می‌شوند.

و در یوحنا ۴، زبان رسیده بودن محصول، همانطور که شما در زمان درو هستید، زیرا برداشت زمین در آیه مکاشفه ۱۴ آمده است. در یوحنا فصل ۴، جایی که می‌بینیم محصول رسیده است، محصولی که به ۱۵ آنها گفته شده درو کنند برای حیات جاودان است. حال به این اضافه کنید که فکر می‌کنم این صحنه برداشت غلات، تصویر ۱۴۴۰۰۰ نفر را به عنوان اولین میوه‌ها، زبان برداشت غلات، اولین میوه‌ها برای خدا، به تصویر می‌کشد.

بنابراین به نظر من این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد؛ آیات ۱۴ تا ۱۶ برداشت مثبتی هستند. این برداشت، برداشتی از داوری کافران نیست؛ این داوری شیران نیست. این یک برداشت مثبت است.

این برداشت اولین میوه‌ها، ۱۴۴۰۰۰، است که نماد قوم خدا هستند. اکنون، محصول روی زمین رسیده است؛ این قوم خدا هستند. بنابراین اکنون پسر انسان برای برداشت می‌آید، یعنی برای برداشت مردم برای پاداش ابدی آنها، تا اولین میوه برای خدا باشد.

بنابراین، به نظر من، آیات ۱۴ تا ۱۶ مربوط به فصل ۱۴، فصل اول تا پنجم، یعنی ۱۴۴۰۰۰ نفر، اولین میوه‌هایی هستند که به خدا تقدیم می‌شوند و پیروز می‌شوند زیرا از سازش خودداری کرده‌اند. حال، تصویر دوم، صحنه شماره دو، برداشت انگور است. و در اینجا فرشته دیگری را می‌بینید که برای مشارکت در برداشت محصول می‌آید.

و به نظر من، این یکی قرار است به زبان برداشت کافران باشد. به عبارت دیگر، آیات ۱۷ تا پایان فصل ۱۴ تا ۸ تا ۱۳ مطابقت دارد. ببخشید، ۱۲ و ۱۳ به نوعی دستور به قوم خدا برای استقامت و مقاومت است.

اما از طریق آیه ۱۱، یعنی از آیه ۸ تا ۱۱، پیام فرشتگانی که بابل و جهان بی‌ایمان را داوری می‌کنند، اکنون این، با آن مطابقت دارد. بنابراین، برای جمع‌بندی، برداشت غلات در آیات ۱۴ تا ۱۶ با بخش اول فصل ۱۴ تصویر ۱۴۴۰۰۰ نفر به عنوان نوبران خدا، مطابقت دارد. اکنون آنها به عنوان برداشت شده در داوری زمان. آخر به تصویر کشیده می‌شوند.

و حالا، ۱۷ تا انتهای فصل تا آیه ۲۰ با هشت تا ۱۱ مطابقت دارد. این داوری کافران است. حال، داوری کافران در هشت تا و پس از آن، در این صحنه داوری دوم در آیات ۱۴ تا ۲۰، به صورت برداشت انگور به تصویر کشیده شده است.

نکته جالب توجه این است که بخش اول داستان جالب است؛ پسر انسان است که برای برداشت محصول می‌آید. حالا، فرشته دیگری است که برای برداشت محصول می‌آید. و به همین ترتیب، فرشته‌ای پسر انسان را احضار کرد تا محصولش را درو کند.

حالا فرشته‌ی دیگری فرشته‌ی اول، آن که با داس می‌آید را احضار می‌کند. او هم داسی دارد. فرشته‌ی دیگری از محراب بیرون می‌آید و او را نیز فرا می‌خواند که حالا داسش را به اهتزاز درآورد.

و این بار، برای برداشت انگور خواهد بود. احتمالاً، این واقعیت که فرشته از محراب می‌آید، می‌تواند نشان دهد که درست مانند فصل‌های هشت، یک تا پنج، که در آن مقدسین با هم درآمیخته‌اند، این دعای مقدسین با بخور محراب درآمیخته است. ما باید این را به عنوان پاسخی به دعای مقدسین درک کنیم.

این تبرئه شهیدانی است که فریاد می‌زنند، ای خداوند، تا کی؟ اما اکنون برداشت محصول اتفاق می‌افتد و فرشته تاک‌ها را با انگور جمع می‌کند زیرا اکنون قرار است در چرخش له شوند. و تصویر اینجا احتمالاً این است که شما یک خمره پر از انگور خواهید داشت و انگورها به معنای واقعی کلمه له می‌شوند تا آب آنها گرفته شود.

آب انگور به درون خمره دیگری می‌ریزد که برای شراب استفاده خواهد شد. احتمالاً پس‌زمینه این تصویرسازی، مثلاً، یوئیل فصل سوم و آیه ۱۳ است. همچنین، در جای دیگری، برداشت انگور را به عنوان نمادی از داوری آخر زمان خدا می‌یابیم.

برای مثال، در اشعیا فصل ۶۲.

در اشعیا فصل ۶۲ و آیات دو و سه، زبان لگدمال کردن انگور یا زبان انگور را به عنوان نمادی برای برداشت محصول می‌یابیم. در فصل ۶۲ و دو آیه اول، به خاطر صهیون، سکوت نخواهم کرد.

به خاطر اورشلیم، ساکت نخواهم ماند تا عدالتش مانند سپیده دم بدرخشد، و نجاتش مانند مشعلی فروزان دوباره به ارتباط جالبی که در ابتدای فصل ۱۴ با صهیون یافتید توجه کنید. ملت‌ها عدالت تو را و همه پادشاهان جلال تو را خواهند دید.

و تو به نام جدیدی که دهان خداوند عطا خواهد کرد، نامیده خواهی شد. تو تاج جلال در دست خداوند، و دیهیم سلطنتی در دست خدای خود خواهی بود. آیه ششم: ای اورشلیم، من نگهبانی بر دیوارهای تو گماشته‌ام، آنها هرگز روز یا شب ساکت نخواهند بود.

شما به خداوند پناه خواهید برد و به خودتان استراحت نخواهید داد. به دلایلی، دوباره فصل اشتباهی را شروع کرده‌ام. باید دقیقاً بفهمم آن چیست.

آیه ۱۵ از باب اول مراثی، نمونه دیگری است که از تصویر انگور لگدمال شده به عنوان تصویری از برداشت محصول آخرالزمان استفاده می‌کند. بنابراین، تصویر در خارج از شهر صهیون است و جالب است که در انبیا، و اینجا، زبان بیرون شهر، داوری که در خارج از شهر اتفاق می‌افتد را می‌یابید، که احتمالاً در ابتدای فصل ۱۴ به صهیون اشاره دارد. بنابراین، اکنون داوری را با اصطلاحات عهد عتیق برگرفته از یوئیل، اشعیا، برگرفته از کتابی مانند مراثی و در جاهای دیگر از داوری نهایی خدا می‌بینید که به صورت لگدمال کردن انگور در چرخش توسط خدا به تصویر کشیده شده است.

اما نکته جالب در صحنه داوری این است که عصاره‌ای که از شراب خارج می‌شود در نهایت به خون تبدیل می‌شود. یعنی در نهایت به خون قربانیان داوری نهایی و نبرد نهایی تبدیل می‌شود. در بخش بعدی، می‌خواهم کمی به تصویری که نویسنده از خون استفاده می‌کند، نگاهی بیندازم که به سمت افسار اسب می‌رود و در طولی به طول ۶۰۰ استادی امتداد می‌یابد.

می‌خواهم کمی بررسی کنم که جان آن تصویر را از کجا می‌گیرد و همچنین آن تصویر چه معنایی دارد.

من دکتر دیو متیوسون هستم در دوره آموزشی‌اش در مورد کتاب مکاشفه. این جلسه بیستم در مورد مکاشفه ۱۴، نجات مقدسین و داوری شیران است.